

از شغل و عمل و باد شاه فایده نبود بسبب نقل و حرکت و قوم با مطلق
 حال او را نگاه کردیم خاک بود در زخم واقع بود و در مرکز مصادق
 بود و ظاهر بود در لیست بر تو سطر حال شغل و عمل و مادر و از
 باد شاه و سلاطین مرعایان بود و چو مطلوب غایبان او را در
 یکم باد طریق بود در روم و در هفتم واقع بود کفتم نگاه مطلوب
 خود رسمی اما بواسطه شخصی بسبب آنکه یکی در مرکز باد واقع است
 و با از اینجا نوزول کورد در خانه هفت در خانه آب دیکو مرتبه نوزول
 کورد و چو بر جرم ضرب کفی شد و یکی مرتبه خارج ضرب کورد
 آنکس نیز بسبب نفس و غلام و خد متکار و چو مطلوب اینزه
 او را نگاه کردیم انشعاق بود و جاتوار انشعاق یکی در مرکز غلاف
 و یکی مصادق کفتم بموازین تو از باد شاه و سلاطین و شغل
 و عمل فایده باشد که بر شواری و گاه با ساین و دشواری بودن
 آنکه در خانه اب و خوش حالی از بودن آنکه در خانه باد خانه یازدهم از
 خاک آنکس و مطلوب مانی او را خاک طریق و او در روم و هفتم واقع
 است و مطلوب حال او خاک عقلا است که در هر مل پیدا نیست بجایستی
 خاک آنکس است دلیل بود بر کوردیده دو ستاره و یاران و معشوق
 و آنچه مطلوب باشد از ظاهر یازدهم در حال و چو مطلوب نقره الکل
 مرابالب است و او نبود کفتم حال تو از این طایفه مرعایان هم نوسر و چو
 مطلوب غایبان او را اب بیاض در خانه هشتم در مرکز موافق بود کفتم

نگاه از طین باران و دوستا و محبت و معشوق خوب خوش نشو و خانه
 دو از هم بر نگاه کردیم خاک عقلا بود در هر مل نبود بخاک آنکس
 آتش عتبه خارج بود و مطلوب مانی او را نگاه کردیم خاک آنکس بود و
 مطلوب در خانه دهم بود در مرکز مصادق دلیل بوده دشمنان و بی باها
 پایان بزرگ باشد خواستم بدانیم که ایشان بجز رنگ باشند خانه سیوم
 مرا نظر کردیم خاک فرج بود باد فرج را با خاک فرج ضرب کورد یعنی
 امتزاج دادیم آتش مانند کفتم نزر رنگ باشد و لیکن نه زرد
 نزر دیکو خواستم معلوم کنم که نشاء بر کجا دارد بیوست یا هوا
 اجتناع که مطلوب مانی عتبه خارج است در یازدهم بود و در هم
 خانه خود امده بود کفتم نشاء سفید بر سر و یاد دارد بر سید که
 که در کلام یاد دارد نظر کردیم اجتناع باد و اب هر دو داشته و باد
 بطریق ضرب کوردیم عقلا شر و او نیز هر دو نقطه دارد کفتم بر سر
 پای بس در آمد خواستم که بی و جوانی او را معلوم کنیم نظر کردیم
 بر نقطه باد اجتناع باد سیوم است کفتم اسب شتر سال است دیکو
 بر آنکه آتش که جک و باد جوان اب کل خاک بی و مطلوب حال او را
 نگاه کردیم اب نقره داخل بود و در هر مل نبود کفتم در حال دلیل
 است بر کوردین دشمن و نابود شدن و بر انقلاب چچا و پای و
 غایبان او را نگاه کردیم بان عتبه خارج بود و نکول در هر مل بود
 کفتم تو نگاه دشمن پیدا شود و بسبب قوم و اقربا و نقل حرکت

بجهت بود بقیه مرکز عتبه اهل است
 نولر کند نفر از خارج صاحب بود
 شش

بعضی از اهل علم بود بچشم زود حال کردیم
 نظر از خارج خود و فرود شد و زود
 و چنان فرودست کفتم این است
 سال است
 سه

تطویر
 و کفتم در شش خود بود کفتم نشان معموله اردو از روده و عم برای
 هر سال که در است با جوان نگاه کردیم بر طایفه فرج خانه
 سال است